

فرناز دهقانی اسمعیل آقا محله

کارشناسی ارشد تاریخ

امیر اکبری

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

Amirakbari84@yahoo.com

## تحولات اجتماعی در دیلم و تشکیل حکومت آل بویه

### چکیده

بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی تشکیل حکومتها در تاریخ ایران همواره از موقعیت ویژه ای برخوردار بوده و یک رکن اصلی در ایجاد حکومتها هستند تشکیل حکومت شیعه آل بویه به عنوان یک تحول نقش اجتماعی فرهنگی شیعه را در تحولات قرن چهارم دیلمستان رقم زد. وجود تعداد زیادی از علویان در طبرستان و دیلمستان به خاطر عدم دسترسی خلفای ستمگر به ایشان و در پی آن آشنایی دیلمیان با عقاید و افکار سادات و وجود دشمن مشترکی چون عباسیان، دشمنی عباسیان و حکام محلی در دیلمستان، انحطاط دولت مستقل علویان، ضعیف شدن فرزندان ایشان، ناکارآمدی حکومت مرکزی - کم شدن قدرت سامانیان، ضعف حکام محلی، رها شدن نیروی جنگی مهارنشده گیل و دیلم موجب گردید تا حکومتهای محلی از هر طرف سر برآوردند و داعیه استقلال یافتند . اندیشه یک دولت قدرتمند و احیای مرده ریگ باستان ایرانی در میان بسیاری از اقوام ایرانی رواج یافت که در این میان توفیق این اندیشه آرمانی بیشتر از همه نصیب خاندان شیعه مذهب بویه گردید که از میان طوایف سرکش دیلم ظهور یافته بود و توانست نه تنها ایران بلکه تا بغداد را تحت سیطره قدرت خود قرار دهند. مقاله حاضر نیز بر آن است تا به بررسی تحولات اجتماعی منطقه دیلم در تشکیل حکومت شیعی آل بویه بپردازد.

**کلید واژه:** دیلمیان، دیلمستان، تشیع، آل بویه.

## مقدمه

سرزمین دیلمستان همواره از دوران باستان تا دوره های جدید به دلیل جغرافیای طبیعی و ساختار نظام زمینداری و اجتماعی آن با سایر مناطق متفاوت بوده و پوشش طبیعی آن سبب شده است تا فاتحان بزرگ به راحتی نتوانند به این ولایت راه یابند.

طبرستان و دیلمان جایگاه مناسبی برای مخالفان سیاسی و مذهبی حکومت بوده که از این موقعیت استفاده کرده در این مناطق به ترویج آئین خود پردازند نخستین حکومت مستقل ایرانی شیعی یعنی علویان مقارن با تسلط خلفای عباسی از این منطقه سربرآوردند.

اهالی دیلم در کنار دارا بودن خصوصیات ذاتی روحیه جنگندگی، رشادت و سلحشوری بهره‌وری از فرهنگ و سنت کهن ایرانی در طول ادوار مختلف تاریخی توانستند اندیشه یک دولت قدرتمند که در میان اقوام مختلف ایران رواج یافته بود را با بهره گیری از زمینه های فرهنگی، اجتماعی، نظامی ایجاد شده به عرصه ظهور دریاورند.

## سرزمین دیلم و دیلمیان

سرزمین دیلم، امروزه جزو گیلان محسوب می شود. اما در روزگار قدیم مخصوصاً در قرن های چهارم و پنجم هجری (زمان فروانروی آل بویه) تمام گیلان همچنین ولایات کوهستانی مشرق و طول ساحلی دریای خزر (طبرستان، گرگان، قومس) جزئی از دیلم به حساب می آمده.<sup>۱</sup> علمای مسالک الممالک آن روزگار از دیلم، مازندران و گرگان را هم یاد می کرده اند. مقدسی می گوید که دیلم دارای پنج کوره (شهرستان) است. از جانب خراسان، قومس (در حدود دامغان) سپس گرگان (گنبد کاووس فعلی و نواحی اطراف آن از جمله استرآباد) و طبرستان و دیلمان دریاچه خزر که در میان این نواحی قرار دارد.<sup>۲</sup> در کتاب حدود العالم نیز چنین آمده است که دیلم از مشرق به ناحیت خراسان، از جنوب به نواحی جبال از مغرب به آذربایجان، از شمال به دریای خزر محدود می شود.

دیلمان ناحیتی است میان طبرستان جبال و گیلان و دریای خزران نهاده است. این مردمان یک گروه برکران دریا باشند دیگر گروه‌اند بر کوهها و جبال شکستگی‌ها و گروهی‌اند در میان هر دو قوم.<sup>۳</sup> دیلمیان همواره جزو اقوام ایرانی به حساب می‌آمده‌اند. اما درباره اصل آنها و اینکه چگونه در کوهستان دیلم سکونت اختیار کردند اطلاعاتی جز افسانه‌ای که ابن الفقیه در کتاب خود ذکر کرده چیزی در دست نیست.<sup>۴</sup>

اهالی دیلم به مناسبت کوهستانی بودن منطقه محل سکونت و صعوبت دسترسی به مکان آنها همواره مستقل می‌زیستند و دارای معیشت و زندگی خاصی بودند که کمتر تحت تاثیر و نفوذ آداب و رسوم اقوام دیگر قرار می‌گرفتند. با وجود لشکرکشی‌های متعدد سرداران عرب به نواحی شمالی ایران به دلیل موقعیت کوهستانی این منطقه موفق به تصرف مسکن دیالمه نشدند.<sup>۵</sup>

### ورود اسلام به سرزمین دیلم

ورود اسلام و مسلمانان به سرزمین دیلم به علت موقعیت خاص جغرافیایی آن سرزمین، تقریباً با دو قرن تاخیر صورت گرفت. آنان که عادت و میل به استقلال داشتند به مدد وضع طبیعی و کوهستانی سرزمینشان، حملات عربها را دفع می‌کردند. عربها نیز به علت صعب العبور بودن راههای منتهی بدین سرزمین و بارانهای بسیار، میل چندانی به حملات و محاصره های طولانی سرزمین دیلم نداشتند. به همین علت دیلمیان تا دو قرن اسلام نیاوردند. حضور دیلمیان غیرمسلمان در مناطق کوهستانی مشکلاتی برای شهرهای مسلمان نشین اطراف به خصوص قزوین فراهم ساخته بود.

به طوری که قزوین از سرحدات مسلمین شناخته می‌شد و گروه های از مسلمانان مجاهد که از سوی خلفا یا حکومتهای محلی مامور مقابله با کفار مهاجم دیلمی بودند، در آن شهر جمع می‌شدند. پس نتوان گفت که تنها سختی کوهستان دیلم و انبوهی جنگلها

بود که مسلمان را عاجز و درمانده می ساخت چه تا زیان در همه جا از این کوهها و جنگلها بسیار دیده و درنور دیده بودند، باید گفت علت عمده همانا مردانگی و دلاوری دیلمیان و قهرمانیها و جانبازیها بود که مردم در راه نگهداری مرزو بوم خود و دفع دشمنان بیگانه آشکار می ساختند.<sup>۶</sup> وضع جغرافیایی و انسانی سرزمین دیلم، محیطی امن و مناسب برای دشمنان و مخالفان عباسی بود. بدین جهت در طول خلافت بنی عباس، این منطقه بارها شاهد حضور علویان مخالف خلافت عباسی بود که تحت تعقیب حکومتهای وقت قرار گرفته و به این سرزمین پناه آورده بودند.<sup>۷</sup>

از آنجایی که علویان خلافت را حق خود دانسته یکی پس از دیگری بیرق دعوت می افراشتند و خلفای عباسی از دست ایشان در زحمت بودند. ایرانیان در نخست هواخواهان علویان بودند، چه عمده مقصود ایرانیان آن بود که بنیاد عباسیان به دست علویان کنده شود تا مگر ایران نیز به استقلال خود برگردد. بویژه دیلمیان که آن همه دشمنیها و خونریزیها با تازیان کرده یگانه آرزوی ایشان بود که بنیاد خلافت عباسی به هر دستی که بود برانداخته شود.

از آن سوی چون سختی و محکمی دیلمستان و دلیری مردانگی دیلمان در سرتاسر عالم اسلام معروف شده بود، علویان نیز غنیمت می شمردند که از این سرزمین و مردمانشان فایده بردارند؛ نخستین علوی که رابطه با دیلمان پیدا کرد، یحیی بن عبدالله از نوادگان امام حسن به علی بود که در سال ۱۷۵ زمان خلیفه هارون الرشید پناه به دیلمستان آورده و در آنجا بیرق خروج و دعوت برافراشت.<sup>۸</sup> چون این خبر به هارون الرشید رسید غمناک شد. زیرا دو دشمن بزرگ خلافت علویان و دیلمیان دست به دست هم داده بودند و بزرگی قضیه اینجاست که یحیی بن برمکی را مسئول دفع یحیی بن عبدالله می کند.<sup>۹</sup>

حاکم دیلمی از او استقبال نمود و عده ای از مردم دیلم با او بیعت کردند. بدین ترتیب زمینه‌های قیام علویان در مناطق شمالی ایران و اطراف دریای خزر از این زمان بوجود آمد تا سرانجام به تشکیل حکومت علویان در آن انجامید.

ساداتی که در پی جانشینی امام رضا از مدینه راهی مرو بودند پس از آگاهی از شهادت آن حضرت و مسموم شدن توسط مامون خلیفه عباسی<sup>۱۱</sup> و آغاز دشمنی و سخت گیری مامون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ ق) بر شیعیان، علویان در شهرهای شمالی ایران پراکنده شده در کوههای ری، دیلم و طبرستان پناه گرفتند.<sup>۱۱</sup>

از دیگر پناه جوین علوی ساداتی بودند که در پی سیاست شیعه کشی و سید ستیزی خلیفه متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ ق) سادات از دیار خود به سوی طبرستان و دیلمان شتافتند.<sup>۱۲</sup>

پس از مرگ متوکل و آغاز چالش برای جانشینی او برخی از علویان شورش و کوفری در بغداد و عراق به پا کردند از جمله در دوران خلیفه مستعین (۲۴۸-۲۵۲ ق)<sup>۱۳</sup>

یحیی بن عمر (۲۵۰ ق) به عنوان پیشوای زیدیان در کوفه سربرداشت بسیاری از علویان را فراهم آورد اما او هم کاری از پیش نبرد و چون دیگر علویان از پای درآمد.<sup>۱۴</sup> بسیاری از یاران او کشته و برخی فراری شدند و پاره ای از فراریان به کوهستان های دیلمان و طبرستان روی آوردند.<sup>۱۵</sup>

دیلمیان که در روزگار اسلام بیشتر در کفر بودند و از آنان برده می‌گرفتند. تا زمان حسن بن زید که به دعوت وی مسلمان شدند.<sup>۱۶</sup> هر چند به گفته اصطخری در سال ۳۴۶ هـ اشاره می‌کند در کوههای دیلمان هنوز کافران هستند.<sup>۱۷</sup> بعد از حسن بن زید فرد دیگری که تبلیغ مذهب تشیع در دیلم تلاش کرد ناصیر کبیر (اطراوش) بود که مذهب شیعه داشت پس از قتل محمد بن زید علوی به دیلمان پناه برد به مدت ۱۳ سال در میان آنها

زیست و آنان را به اسلام دعوت کرد و به فعالیت‌های فرهنگی پرداخت. او در سرزمین آنان مساجدی بنا کرد.<sup>۱۸</sup> و شاهان گیل و دیلم به دست او مسلمان شدند.<sup>۱۹</sup>

در مواردی که حکومت‌های مرکزی ظالمانه رفتار می‌کردند و به علت وجود زمینه‌های فرهنگ سیاسی در مردم یعنی روحیه استقلال طلبی و عدم تمکین نسبت به حکومت‌های مرکزی تاثیر معکوس می‌گذاشت و مردم زهد و علم و ورع سادات علوی را اعتقاد کردند گفتند آنچه سیرت مسلمانی است در سادات است.<sup>۲۰</sup> و به خاطر صداقت برخورداری از وجدان بیدار و صفای قلب به زودی مجذوب آرمانهای بلند و اهداف رهایی بخش سادات علوی شده و از وجود آنان برای دفع شرارت‌های حاکمان بهره جستند.<sup>۲۱</sup>

- جد خاندان آل بویه ابوشجاع بویه، پسر فنا خسرو دیلمی است. مورخان درباره اصل و نسب ایشان اختلاف دارند و سخنان گوناگون و پراکنده آورده‌اند. گروهی از نسب شناسان ظاهراً به اشاره امیران بویی، نسب آنان را به بهرام گور رسانیده‌اند.<sup>۲۲</sup>

- تا بدین گونه آنان را از گمنامی و زندگی سختی که پیش از دوران فرمانروایی داشته‌اند برهانند. شاید هم می‌خواستند بدین وسیله به اقوامی که بیرون از بلاد آنها می‌زیستند نیز فرمان برانند بویه و پسرانش پیش از ورود به خدمات در ساحل دریای خزر به هیزم-شکنی و ماهیگیری مشغول بودند و ظاهراً زندگی ساده همراه با فقر و تنگدستی داشته‌اند.<sup>۲۳</sup>

- انحطاط قدرت مستقل علویان که موجب اختلافات داخلی و بدون رهبر شدن نیروی جنگی مهار شده گیل و دیلم شد زمینه را برای زورآزمایی سرکردگان این سپاهیان که قصد داشتند جای فرمانروایان زیدی را در منطقه پرکنند، ایجاد کرد.<sup>۲۴</sup>

- در همین زمان عده‌ای از قهرمانان و بزرگان منطقه گیل و دیلم چون ماکان بی‌کاکلی - اسفاربن شیرویه، مرداویج به خلیفه عباسی شوریدند و برای تجهیز لشکر خود با هم به

رقابت بودند و مقدم هر تازه واردی را گرامی داشتند. ابوشجاع که از کارهای سخت و بی سرانجام به تنگ آمده بود، تصمیم گرفت همراه پسرانش، علی - حسن و احمد به خدمات لشکری درآید در این میان علی و برادر کوچکترش حسن به صف سپاهیان ماکان بن کالی فرمانده بلندپایه سپاه سامانی پیوستند.<sup>۲۵</sup>

- چندی بعد میان ماکان و مرداویج اختلاف و درگیری بوجود آمد و مرداویج به گرگان و طبرستان چیره شد و نیروی ماکان رو به ضعف نهاد. از این رو برادران بویه که به دنبال قدرت و ثروت بودند صلاح خود را در آن دیدن که با جلب نظر ماکان به خدمت مرداویج درآیند.<sup>۲۶</sup> مرداویج که از طوایف گیل بود و با دیلمیان نزدیکی بیشتری داشت برادران بویه را به گرمی پذیرفت و بنا به توصیه عمید امارت کرج را به علی واگذار کرد.<sup>۲۷</sup> حکومت مرکزی آنچنان ناکارآمد و اوضاع آنچنان نابسامان که موسس آل بویه به عنوان رهبر با استفاده از آمیزه‌ای از ابتکار کارایی، تخصص نظامی و اعتقاد، قدرت سازماندهی و همکاری خادمان غیرنظامی و حرفه‌ای توانست اوضاع نابسامان را سازماندهی کند.<sup>۲۸</sup>

روحیه شجاعت دیلمیان که ریشه در سنت و فرهنگ ایشان داشت استفاده از ایشان به عنوان مزدوران آن هم دورانی جلوتر از ظهور بوئیان، در ایران، بین‌النهرین و در جهت غرب فاکتوری مهم در موقعیت سریع بوئیان باید دانست.<sup>۲۹</sup> بوئیان از دیلمیان بودند و دیلمیان عموماً به سربازان یا اشخاصی که از میان خودشان برخاسته بودند اتکا و اعتماد می‌کردند زیرا دیلمیان به دنبال رهبریتی کامیاب از میان خودشان بودند.<sup>۳۰</sup>

خوش رفتاری آل بویه با مردم، پیروان و ارتش نیرومند خویش، توانمندی نظامی و اداری - بخشندگی ایشان موجب شد مردم به طرف ایشان میل و رغبت پیدا کنند و به تعبیر ابن‌اثیر وقتی معزالدوله به شیراز درآمد (نادی فی الناس بث العدل) اعلام کرد.<sup>۳۱</sup>

از آنجایی که یکی از اهداف و بلکه مهمترین هدف در بطن تمام مبارزات دولتهای مقتدر ایران برچیدن بساط خلفا و تقلیل نفوذ آنها به حداقل بود هدف اصلی آل‌بویه نیز به عنوان یک دولت ایرانی مقتدرو کارآمد ایرانی شیعی سعی در فراهم آوردن مقدمات انقراض عباسیان بود.<sup>۳۲</sup>

کم شدن قدرت خلیفه و نماندن جز نامی برای او به خاطر قدرت امیرالامرای، میل و گرایش برادران بویه را به چیزی فراتر از استقلال طلبی بلکه به توسعه طلبی منجر گردانید و این گرایش در اندک زمانی سریع به خاطر اتفاقاتی که به نفع ایشان بود آل بویه را به اهداف خود نزدیک کرد.<sup>۳۳</sup>

### حکومت آل بویه

آل‌بویه قومی قوی دل و جبار بودند. هرچند نسبت خود را به بهرام گور رساند<sup>۳۴</sup> ولی به حقیقت نسلشان از عرب است. ایشان به مدت صد و بیست سال مملکت راندند و جمله جهان را تحت حکومت درآوردند و چنان مستقل و مستولی شدند که خلفای عباسی عاجز و محکوم ایشان شدند و حدود مملکت ایشان از طبرستان و گیل و دیلم و قهستان و مازندران و گرگان و ری و جمله عراق و مداین و بغداد و واسط و بصره و زمین شام و مغرب و فارس و کرمان و سینستان و هرکه مستقل تر بود در بغداد می نشست و ملازم خلیفه بود. اما هر یکی به مملکتی والی بودند و می گفتند دیلمان فارسی - دیلمان عراق، دیلمان کرمان و آخر کار آنقدر قدرت یافتند که هر کس قدرتی می یافت او را شاهنشاه می خواندند. مقتدای آنها علی بویه بود که به سبب همین ایشان را آل بویه می خواندند.<sup>۳۵</sup>

اساس عقیدتی دیلمیان به تشیع استوار بود. عباسیان نیز با شیعیان ستیزه داشتند و از این رو در یک نمایش قدرت بود که بویه یان پس از سه قرن انتقام گرفتند. و آن انتقام شکست ساسانیان بود و دیگری انتقام ترضیع حق خلافت علی(ع) و سب و دشنام و بی-



حرمی و دیگر مصائبی که پس از مرگ پیغمبر (ص) تحمل کرده بودند. بویه یان شیعه مذهب در مرکز خلافت قدرت یافتند. طبرستان و گرگان را از بازماندگان دودمان زیادی ستاندند و بر اثر پیوند و انسجامی که داشتند بر بسیاری از مشکلات آن روزگار فائق آمدند.<sup>۳۶</sup>

آل بویه از لحاظ علاقه خود نسبت به روی کارآمدن یک حکومت ایرانی مقتدر سعی کافی داشتند و در اجرای این منظور و هدف مقدس حکومتی روی کار آوردند که با قدرت و تدابیر کافی در برانداختن عباسیان کوشیدند بطوری که از اعمال و رفتار فرماندهان آل بویه برمی آید ایشان قصد داشتند خلافت عربی را از میان برداشته و به جای آن شاهنشاهی ایران را برقرار سازند.

قرائن این امر در اعمال و اقوال پادشاهان آل بویه و اطرافیان ایشان دیده می شود.<sup>۳۷</sup> و مطالبی که در رابطه با آل بویه و تشیع لازم است توضیح داده شود کسب مشروعیت است قرن سوم و چهارم هجری و تشکیل حکومتهای مستقل ایرانی (سامانیان آل بویه) هر کدام ضروری بود که با کسب مشروعیت حکومت بنمایند و این مشروعیت از دو طریق ممکن می شد.

۱- انتساب خود به ایران باستان ۲- ایجاد ارتباط دوستانه با دستگاه خلافت<sup>۳۸</sup>

تردیدی نیست که دیلمیان از افتخارات گذشته ایران الهام می گرفتند و می خواستند همان رسوم و سنت های دیرین ایرانیان را تجدید کرده و ادامه دهند. عضدالدوله دیلمی لقب شاهنشاه را که پس از ساسانیان تا به آن روز به کسی داده نشده بود برای خود برگزید.<sup>۳۹</sup>

و این القاب را در فرامین القاب و اشعار بکار برد حال آنکه این القاب مختص شاهان قبل از اسلام بود و خلیفه نیز از این امر آگاهی داشت.

در این مورد آمده است وقتی عضدالدوله دیلمی وارد بغداد شد مورد استقبال خلیفه عباسی قرار گرفت. (۳۶۷ هـ) عضدالدوله سعی کرد با تلفیقی از آداب دوره ساسانی و اسلامی نزد خلیفه بار یابد. او دو درفش از خلیفه دریافت کرد. یکی فرمانروایی شرق یکی فرمانروایی غرب و درفش دیگر مخصوص ولیعهدان را نیز از خلیفه دریافت نمود.<sup>۴۰</sup>

نویسنده کتاب شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی می‌نویسد که: عضدالدوله می‌خواست با روش اساسی خلافت عباسیان را از میان بردارد و شاهنشاهی ایران را جایگزین کند. او می‌خواست با نقشه ازدواج دخترش با خلیفه به قدرت معنوی خلیفه نیز دست یابد و بوسیله فرزند مشترک آن دو نقش خلیفه و پادشاه را به عهده گیرد.<sup>۴۱</sup>

ابن مسکویه: هدف اصلی از وصلت دختر عضدالدوله با خلیفه را اینگونه بیان می‌کند. دارای پسری شود که ولیعهد باشد و خلافت به آل بویه برسد و پادشاهی و خلافت هر دو در دولت دیلمی یکی شود ولی هیچگاه آرزوی او برآورده نشد. زیرا خلیفه عباسی به تمام خواسته‌های مدبرانه و سیاست‌مدارانه عضدالدوله به دیده تشریفات درباری می‌نگریست و شاید هم وصلت با دختر عضدالدوله را نوعی تشریفات و التفات بیش از حد به خاندان بویه تلقی کرد و دختر او را هیچ‌گاه زن رسمی خود ندانست و مسلماً فرزندی هم از او متولد نشد.<sup>۴۲</sup>

## نتیجه گیری

با گذشت بیش از سه قرن از سقوط حکومت ساسانیان در ایران، خلافت اموی و سپس عباسی با تسلط بر امور سیاسی قدرت خود را بر ایرانیان تحمیل می‌کردند و تسنن، مذهب غالب دستگاه خلافت و بالطبع مورد پذیرش حاکمان و کارگزاران دستگاه خلافت در قلمرو حکومت اسلامی از جمله ایران بود.

ناامیدی ایرانیان در برخورداری از حاکمیتی عادلانه از سوی خلافت اموی و سپس عباسی و توأمان به ثمر نرسیدن نهضت‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی - فرهنگی در گوشه و کنار ایران تعصبات لازم جهت بسط احساسات میهن پرستانه را در راستای فراهم نمودن فرصت مقتضی برای دستیابی به اقتدار سیاسی، نظامی و به تدریج فرهنگی حاصل نمود لذا رسوخ مذهب شیعه به طبرستان و قدرت‌یابی علویان در این ناحیه مقدمات کافی را برای حضور سلحشور و برجسته دیلمی در تمامی صحنه‌های سیاسی و نظامی ایران به صورتی همه جانبه مهیا ساخت به این ترتیب در آستانه قرن چهارم هجری (دهم میلادی) خیل گسترده‌ای از نظامیان و سپاهیان دیلمی با استفاده از شرایط مناسب زمانی در سلک سربازان برجسته دولت‌های بزرگی چون سامانیان صفاریان و به ویژه علویان طبرستان در آمدند و به تدریج مراتب ارتقاء نظامی را طی نموده و به عنوان سردمداران بزرگ نظامی مبدل گردیدند. اینان پایه‌گذاران دولت‌های بزرگ دیلمیان در ایران شدند و تحولات بنیادی را در عرصه ساختاری سیاسی و نظامی و حتی مذهبی ایران بعد از اسلام به وجود آوردند. حکومت آل بویه نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد و آغاز بر ورود خلفای به دوره ضعف سیاسی و از دست دادن اقتدار معنوی و دنیوی بود.

مضافاً به اینکه با تقویت مبانی تفکر شیعی چه سرزمین دیلم و دیگر مناطق ایران و عراق اسباب رونق و گسترش مبانی مکتب تشیع را تا حال حاضر فراهم نمودند.

## یادداشت‌ها:

- <sup>۱</sup>- رابینو، هـ ل، ولایات دار المرز ایران گیلان، ترجمه خمایی زاده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۴.
- <sup>۲</sup>- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ۱۳۶۱، ص ۵۱۷.
- <sup>۳</sup>- ستوده، منوچهر، حدود العالم من المشرق و الی المغرب به سال ۳۷۲ هـ ق، ۱۳۶۱، ص ۱۴۴-۱۴۳-۸۳.
- <sup>۴</sup>- فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر، انتشارات صبا، ۱۳۵۷، ص ۴۰.
- <sup>۵</sup>- مبین، ابوالحسن، «حضور دیلمیان در تشکیلات نظامی حکومت‌های متقارن»، فصلنامه تاریخ تابستان ۱۳۸۶، شماره ۷، ص ۱۱۱-۱۱۰.
- <sup>۶</sup>- راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، سلسله های ایران از حمله اعراب تا مشروطیت، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۲۵۳۶، ص ۲۱۸.
- <sup>۷</sup>- دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت‌های محلی آل زیار آل بویه)، فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۴-۱۳.
- <sup>۸</sup>- صدیقی، غلامحسین، جنبش دینی ایرانی در قرن های دوم و سوم هجری تهران، ۱۳۷۷، ص ۸۴.
- <sup>۹</sup>- حقیقت عبدالرفیع، تقویم سیاسی ایران از آغاز تا پایان دوره پهلوی، تهران، کومش، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱.
- <sup>۱۰</sup>- مقدسی اردبیلی، احمد بن احمد، حدیقه الشیعه، بی جا انتشارات علمیه، اسلامیه، بی تا، ص ۶۵۸.
- <sup>۱۱</sup>- مولانا، اولیا الله، تاریخ رویان، به تصحیح عباس صاحب جریه و مطلبه، ص ۶۲؛ طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱۳، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۵، ص ۵۶۶۵.
- <sup>۱۲</sup>- پرویز، عباس، از عرب تا دیالمه انتشارات علمی، ۱۳۶۳، ص ۵۳.
- <sup>۱۳</sup>- مولانا، اولیا الله تاریخ رویان، ص ۶۳.

- <sup>۱۴</sup> - میرخواند، روضه الصفا، تصحیح و تحشیه، جمشید کیان فر، ج ۳، دیبا، ۱۳۸۵، ص ۲۶۶۷.
- <sup>۱۵</sup> - برزگر، اردشیر، تاریخ طبرستان، پژوهش و تصحیح محمد شکوه فومشی، تهران، رسانش، ۱۳۸۸، ص ۳۸۵.
- <sup>۱۶</sup> - ترکمنی آذر، پروین، ص ۱۵؛ طبری، محمد جریر، ج ۱۴ - ۱۳۷۶.
- <sup>۱۷</sup> - ترکمنی آذر، پروین، ص ۱۶.
- <sup>۱۸</sup> - ابن خلدون، عبدالحمید آیتی، مطالعات و تحقیقات وابسته به فرهنگ و آموزش عالی املشی، بهاء الدین، گوشه هایی از تاریخ گیلان، کتابخانه ملی، ۱۳۵۲، ص ۱۱.
- <sup>۱۹</sup> - مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ص ۷۴۲.
- <sup>۲۰</sup> - ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، اقبال آشتیانی، ج ۱، ص ۲۲۸.
- <sup>۲۱</sup> - واردی، سید تقی، تاریخ علویان طبرستان، بی جا، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۹، ص ۴۴.
- <sup>۲۲</sup> - شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد، مجمع الانساب به تصحیح میرهاشم محدث سپهر، تهران، ۱۳۷۶، ص ۸۹.
- <sup>۲۳</sup> - ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۱۱۶.
- <sup>۲۴</sup> - کابلی، عبدالحسین، تاریخ از نگاه دیگر، بررسی تاریخ ایران از دوره باستان تا پایان انقلاب مشروطیت، تهران، دلشدگان، ۱۳۸۱، ص ۴۲.
- <sup>۲۵</sup> - فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر، انتشارات صبا، ۱۳۵۷، ص ۹۱.
- <sup>۲۶</sup> - گیلان، شیخعلی، تاریخ گیلان. بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۵۲، پرویز عباسی، از طاهریان تا مغول - بخش اول، ۱۳۱۵، ص ۲۰۵.
- <sup>۲۷</sup> - خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ۱۳۸۰، ص ۳۸۹.
- <sup>۲۸</sup> - فقیهی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، نموداری در زندگی مردم در آن عصر، انتشارات صبا، ۱۳۵۷، ص ۹۱.
- <sup>۲۹</sup> - ریچارد، فرای، کمبریج، ج ۴، ص ۳۵۴.
- <sup>۳۰</sup> - ریچارد فرای، کمبریج، ج ۴، ص ۳۵۳.

- <sup>۳۱</sup> - متحده، روی پرویز، اوضاع اجتماعی آل بویه و وفاداری و رهبری در جامعه اسلامی سده نخستین، برگردان محمدرضا مصباحی، علی یحیایی، مشهد، خانه آبی، ۱۳۸۸، ص ۴۷.
- <sup>۳۲</sup> - تجارب الامم، ج ۵، ص ۲۷۸ و جعفریان، رسول، تاریخ تشیع، ص ۳۷۳.
- <sup>۳۳</sup> - کابلی، عبدالحسین، تاریخ از نگاه دیگر بررسی تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان مشروطیت، تهران، دلشدگان، ص ۱۳۸. ص ۵۲.
- <sup>۳۴</sup> - پرویز، عباس، از طاهریان تا مغول، بخش اول، چاپخانه مرکزی، ۱۳۱۵، ص ۲۲۶.
- <sup>۳۵</sup> - خواندمیر، حبیب السیر، جلد دوم، ص ۴۲۱.
- <sup>۳۶</sup> - شبانکاره ای، محمد بن علی بن محمد، مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، سپهر، ۱۳۷، ص ۸۹، ص ۹۶.
- <sup>۳۷</sup> - کاسب، عزیزالله، منحنی قدرت در تاریخ ایران، ۱۳۶۸، ص ۲۳۶.
- <sup>۳۸</sup> - حقیقت، عبدالرفیع، جنبش زیدیه، بی تا، بی جا، بی تا، ص ۳۱۴.
- <sup>۳۹</sup> - هروی، جواد، پژوهشی پیرامون عصر سامانیان انتشارات پژوهش قومن، ۱۳۸۶، ص ۱۹.
- <sup>۴۰</sup> - صابی، رسوم الخلافه، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶، ص ۵۵.
- <sup>۴۱</sup> - فقیهی، علی اصغر، شاهنشاهی عضد الدوله، ص ۶۸-۷۰.
- <sup>۴۲</sup> - حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ نهضت‌های ملی ایران، ص ۱۷۷.